

یادی از روزهای رفته

جلد اول

خاطرات حسن مشرف نفیسی (مشرف الدوله)

به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

- سرشناسه: اتحادیه، منصوره (نظام مافی) ۱۳۱۲.
عنوان و نام پدیدآور: یادی از روزهای رفته
خاطرات حسن مشرف نفیسی به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)
مشخصات نشر: نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۳ جلد.
شابک جلد ۱: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۸۷-۱۶-۰
شابک جلد ۳: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۸۷-۱۸-۴
وضعیت فهرست‌نویسی: فیفا
یادداشت: نمایه
موضوع: مشرف نفیسی: حسن ۱۲۷۶
موضوع: موضوع:
شناسه افزوده: نشر تاریخ ایران
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۲ الف ۵ / م ۵۸۶ / DSR
بند: ۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۲۴۷۲۸



نشر تاریخ ایران

نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)
تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۰ طبقه سوم شماره ۳۰۴، تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰
یادی از روزهای رفته
جلد اول

خاطرات حسن مشرف نفیسی (مشرف نفیسی)
به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)

اجرا: نشر تاریخ ایران
طرح جلد: فریبا علایی
چاپ و صحافی: کتاب سانس
تیراژ: ۱۰۰۰
چاپ اول: ۱۳۹۷
شابک جلد ۱: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۸۷-۱۶-۰
ISBN: 978-600-8687-16-0
قیمت: ۵۰,۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۴۳	پایان سخن
۴۷	یادداشت‌های مقدمه
۵۳	پیشگفتار
۹۷	کتاب اول: پس از هفت سال
۱۴۷	مقدمه دوم نویسنده خاطرات
۱۸۷	کتاب دوم: تاریخ دوره مشروطه
۱۸۷	فصل اول: سلطنت سلطان احمدشاه
۱۹۴	فصل دوم: وضع ایران در زمان جنگ جهانی اول
۲۲۵	فصل سوم: کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ش
۲۳۹	کتاب سوم: تاریخ سلسله پهلوی (از کودتا تا جنگ جهانی دوم)
۲۳۹	فصل اول: سردار سپه
۲۵۹	فصل دوم: بر تخت نشستن رضاشاه
۲۶۶	فصل سوم: سلطنت رضاشاه پهلوی
۳۳۶	فصل چهارم: جنگ جهانی دوم

۳۵۷	کتاب چهارم: ایران در جنگ جهانی دوم
۳۵۷	فصل اول: جلوس محمدرضا شاه پهلوی
۳۶۳	فصل دوم: اولین ملاقات با شاه جدید
۳۷۰	فصل سوم: اولین روضهای تصدی من در وزارت دارایی
۳۸۴	فصل چهارم: اولین قدم در راه اصلاحات
۳۹۲	فصل پنجم: موانع در راه موفقیت
۴۰۲	فصل ششم: دنباله فصل سوم درباره اصلاحات اقتصادی
۴۲۵	فصل هفتم: فعالیت‌های سیاسی کابینه فروغی
۴۳۵	فصل هشتم: مجلس سیزدهم، ترمیم کابینه فروغی
۴۴۳	فصل نهم: اولین پیش درآمد مخالفت با من، موضوع ترک تریاک
۴۵۰	فصل دهم: سقوط کابینه فروغی
۴۹۱	تصاویر
۵۰۷	فهرست اعلامیه‌ها

مقدمه

در سال‌های اخیر خاطرات بسیاری از سیاستمداران دوران قاجار و پهلوی منتشر شده‌اند که هر کدام در جای خود ارزشمند هستند و به مورخین امروز این امکان را می‌دهند که تازه‌ای دسترسی یابند. واضح است که این خاطره‌نگاران یادداشت‌های خود را به منظوری خاص می‌نوشتند و بی‌شک بیش از هر چیز می‌خواستند موضوع یا توجیه سهم و نقششان در وقایع کشور بود. در این بین خاطرات مستقیم نفیسی که سال‌های ۵۰-۱۳۲۰ش را دربرمی‌گیرد، از این قاعده کلی مستثنی نیست.

با هر خاطرات جدیدی که منتشر می‌شود، نه تنها اطلاعات درباره گذشته افزایش می‌یابد، بلکه پیچیدگی‌های مسائل از منظر مورخ روشن‌تر می‌گردد. روابط میان رجال در صحنه عمومی و خصوصی نسبت بسیاری دارد که خیلی اوقات از خلال خاطراتشان بروز می‌یابد و بر عهده مورخ است که به هنگام مقابله و مقایسه این اطلاعات جدید، راه به حقیقتی هر چند نسبی یابد. یکی از نکات جالب توجه افزایش خاطرات، اظهار نظرهای متفاوت، نه قیاس آورد یا متناقض افراد است که ممکن است مورخ را دچار سردرگمی کند. مانند تناقض بین نظریات نفیسی، عباسقلی گلشانیان، باقر کاظمی و ابوالحسن ابتهاج درباره بعضی از مسائل رایج کشور. اطلاعات جدیدی که از خلال این خاطرات به دست می‌آید به مورخین امکان بازنگری تاریخ و نتیجه‌گیری‌های جدیدتری می‌دهد که بسیار ارزشمند است. نفیسی خاطراتش را در فرانسه در سال ۱۳۴۰ش آغاز کرد و در ۱۳۴۸ به پایان رساند.^(۱)



حسن مشرف نفیسی (مشرف الدوله) متولد ۱۲۸۳ قی پسر ناظم الطباء طبیب مظفرالدین شاه بود. وی برادر مؤدب نفیسی سرپرست محمدرضا ولیعهد رضاشاه بود و یکی از برادران او سعید نفیسی نویسنده به نام کشور بود. نفیسی با مرکز قدرت ارتباط داشت و به خاطر نسبت های خانوادگی با بسیاری از رجال کشنایی داشت و به همین سبب از خیلی جریانات سیاسی مطلع بود که از این جهت خاطرات وی را ممتاز می کند.

وقتی نفیسی در اروپا تحصیل می کرد جنگ جهانی اول آغاز شد، بنابراین به ناچار به ایران بازگشت و تا پایان جنگ در ایران اقامت کرد. او سپس به فرانسه رفت و تحصیلاتش را در رشته اقتصاد و حقوق تکمیل کرد و پس از اخذ درجه دکترا در ۱۳۰۳ به ایران برگشت. او مدتی رئیس یکی از ادارات مالیه تهران بود، بعد ریاست محکمه تجارت تهران به وی واگذار شد. وی در ۱۳۱۳ ریاست شرکت بیمه ایران را به عهده داشت و همزمان دفتر وکالت در تهران باز کرد و مشاورت حقوقی شرکت نفت را به عهده گرفت. نفیسی از این سمت به هنگام اشغال ایران توسط قوای متفقین استعفا داد.

فروغی پس از سقوط رضاشاه قصد استقامت فواید عامه را به نفیسی تفویض کند، اما نفیسی به وزارت دارایی علاقه نشاء و با تخصص او بیشتر تناسب داشت. یکی از اولین اقداماتش در مسئولیت جدید انعقاد قرار داد با دولت انگلستان در مورد تعیین نرخ تبدیل لیره استرلینگ به ریال ایران بود. بعدها این توافقنامه دستاویزی جهت حمله طیف های مختلف سیاسی به نفیسی شد، از حزب توده گرفته تا مصدق.

توافقنامه جدید، نرخ ارز را در سطح ۱۴۰ ریال برای هر لیره تثبیت کرد. بر طبق این توافقنامه، قوای انگلستان و کلیه داویر دولتی این کشور که نیاز به ریال داشتند، می توانستند با پرداخت نرخ ۱۴۰ ریال برای هر لیره، احتیاجات ریالی خود را برطرف کنند. نرخ جدید اگر چه در ظاهر از نرخ رسمی ۶۷ ریال برای هر

لیره بالاتر بود، ولی چون نرخ ۶۷ ریال فقط به تعداد محدودی تاجر، آن هم برای داد و ستد اقلام محدودی تعلق می‌گرفت که عملاً برای تاجر و دیگر صاحبان ارز قابل دسترسی نبود. همچنین این اشخاص، و نیز سفارت انگلستان در این موقع ارز مورد نیاز خود را در بازار آزاد با نرخ ۱۷۵ ریال معامله می‌کردند. توافقنامه نفیسی نرخ برابری لیره و ریال را در واقع ۲۵٪ (بیست و پنج درصد) پایین‌تر از نرخ بازار آزاد تعیین کرد.^(۲)

نفیسی با همکاریانش در وزارت مالیه در مقابل انگلیس‌ها در موقعیت ضعیفی یک بازی عالی را دنبال کردند و قوای اشغالگر را وادار به این کردند تا لیره را با نرخ تعیین شده دولت با کمتر از آنچه در بازار آزاد رایج بود تبدیل کنند، در صورتی که می‌توانست بدون تصویب وزارت مالیه این کار را انجام دهند. پس از تصویب لایحه در مجلس نفیسی مورد اتهام قرار گرفت که این کار به نفع انگلیس‌ها بوده، بنابراین کابینه سقوط کرد. این اتهام تبدیل به حربه‌ای برای دشمنان نفیسی شد که همهٔ عملیات او را به عیث مورد حمله و اتهام قرار می‌دادند.^(۳)

نفیسی پس از پایان جنگ در مرداد ۱۳۲۴ سفرش به اروپا رفت، در مراجعت به پیشنهاد ابتهاج به عنوان عضو علی‌البدل در هیئت بین‌المللی که در واشنگتن تشکیل شد، به آمریکا اعزام گشت. در سال ۱۳۲۹ به ریاست برنامهٔ هفت سالهٔ سازمان برنامه تعیین شد. او در دورهٔ ریاست وزرایی رژیم را مقبوض به استعفا شد، بنابراین برای مدتی در فرانسه اقامت کرد. او پس از مراجعت برای دوم به ریاست سازمان برنامه منصوب شد. نفیسی طی دوره‌ای که دکترا معتمدی نخست‌وزیر بود و حتی به هنگام جنبش ملی شدن نفت در خارج از کشور اقامت داشت. پس از آن نیز تا مدتی کاری به او رجوع نشد. در ۱۳۳۵ برای بار دوم به ریاست بیمه ایران گماشته شد. در سال ۱۳۴۱ علیه او پرونده‌سازی شد، به همین جهت برای مدتی به تکیف ماند تا سرانجام از او اعادهٔ حیثیت شد و اجازهٔ خروج از کشور گرفت. همانطور که اشاره شد، نفیسی از ۱۳۴۰ آغاز به نوشتن خاطراتش کرد که در ۱۳۴۸ آن را به پایان برد. او در طی این سال‌ها در

پاریس اقامت داشت و گهگاهی به ایران سفر می‌کرد و بدین ترتیب از جریان‌ات تازه باخبر می‌شد. در روزهای بی‌کاری و غربت شاید مرور اتفاقات گذشته، برای او اندوهناک و ملال‌آور بود، ولی چون هدفش توضیح گذشته برای عبرت‌آموزی بود، آن را با پشتکار و اراده انجام می‌داد. شاید هم او از این راه تسلی خاطر می‌یافت.

نفیسی دلیل نوشتن خاطراتش را اینطور توضیح می‌دهد که در برابر فجایعی که دامگیرش شد، «خلاف مردانگی» بود که هیچ نگوید. البته خاطرات نفیسی فقط تفسیر شخصی او از وقایعی که در آن نقش داشت یا ناظرش بود نیست، بلکه هدف اصلی‌اش نگارش برای ارائه تاریخ معاصر ایران است. وی سیر نزولی کشور را تشریح و تحلیل می‌کند و درصدد فهمیدن چرایی انحطاط کشور بوده است و اینکه چه عواملی مانع پیشرفت شخصی او در کارش می‌شدند. ضمناً او می‌خواهد خاطراتش را برای آیندگان باشد. چنانکه به هنگام بررسی املاک رضا شاه که هنگام اسارت از سلطنت به پسرش بخشید، او سفری به شمال می‌رود و در خاطراتش می‌نویسد: «این مسافرت و مشاهده این خرابی‌ها مرا نسبت به بعضی نکته‌های مجهول تاریخ کشورم روشن کرد. هر کس در ایران مسافرت می‌کند، در گوشه‌ها و کنارها خرابی‌ها را می‌بیند، ولی برای کشوری که سه‌هزار سال تاریخ مدون دارد، هیچ آثاری نمی‌بیند که از جور زمانه محفوظ مانده باشد. آیا نمی‌توان این وضع را چنین تعبیر کرد که آنچه برخلاف حقوق مردم و عدالت با زور بنا شده، محکوم است [و] به منصف آنکه آن زور برطرف شد، به نوبت خود معدوم می‌گردد؟ در ایران اغلب سلسله‌هایی که سلطنت کرده‌اند، مخصوصاً بعد از اسلام متکی به زور و عدم رعایت اصول انسانیت بوده‌اند، در این صورت منطقی بود که پس از نیست شدن ظالم، هیچ اثری از او باقی نماند و آنچه او ساخته سرنگون شود، تا نامش هم از صفحه محو شود».

این خاطرات در واقع جوابی است به این سؤال که چگونه یکی از باسوادترین و متخصص‌ترین افراد کشور که امروزه آن را تکنوکرات می‌نامیم، توانست در کشور کار کند و به کناری رانده شد. نفیسی دارای دکترای رشته

اقتصاد و حقوق از دانشگاه فرانسه و نیز متخصص در امور مالیات بود. رساله دکترای وی با عنوان مالیات و زندگی اقتصادی و اجتماعی در ایران در ۱۳۰۳ در فرانسه منتشر شد. (۴) در مراجعت به ایران او کتابی تحت عنوان زندگی گران نوشت که در ۱۳۲۱ منتشر شد. (۵) در ۱۳۰۳ به انتشار هفته نامه ایران جوان مبادرت ورزید و در ۱۳۲۳ روزنامه پند را منتشر کرد. وی از طریق تحقیقات و مطالعاتش شناخت عمیقی از شرایط کشور، اوضاع اجتماعی و اقتصادی به دست آورد که هم در دوره وزارت دارایی و در هیئت سازمان برنامه و هم در مقالاتی که می نوشت به چشم می خورد.

علاوه بر تخصص در اقتصاد و حقوق، او یک فرد فرهیخته با معلومات گسترده درباره ادبیات تاریخ فرانسه و ایران بود و نسبت به وطنش و گذشته آن عشق می ورزید. از کارهای ماندگارش که متأسفانه به بوته فراموشی سپرده شده است، ساختن مهمانسرای شاه عباس (عباسی) در اصفهان است. گفتنی است که نفیسی در روزنامه ایران جوان که در ۱۳۰۶ منتشر می کرد، پس از سفر به اصفهان می نویسد که این شهر باید مرکز سیاسی ایران باشد که نشان می دهد از همان وقت به فکر جلب سیاهان خارجی و قدردانی از آثار گذشته بود. (۶) او در اواخر دوره نخست وزیری علاء در ۱۳۳۵ که مدیر عامل شرکت بیمه ایران بود، به ساختن این مهمانسرا مبادرت ورزید، اثری زیبا و ماندگار که شکوه و جلال صفویه را به یاد می آورد و واضح است که نفیسی با اقامت آن در آن بنا را طراحی کرده است که در خاطراتش آن را شرح می دهد. آقای ارحام صدر هنرپیشه معروف اصفهان که در آن وقت در شرکت بیمه ایران مسئول کار بود، این جریان را در مصاحبه انجام شده ای شرح می دهد که او و فضل الله جلوه چگونه تمام هنرمندان اصفهان را در زمینه گچبری، کاشیکاری، منبت کاری و غیره شناسایی کردند، کسانی مانند یحیی گچبر، استاد عبدالوهاب، جواد چاپچی که درودگر بود و شاهی جانبیان هنرمند نقاش. آنها این عده را برای تزئینات ساختمان به کار گرفتند. بعدها ارحام صدر مدیر مهمانسرا هم شد. (۷)



یکی از رویدادهای جالب توجه این دوره که متأسفانه دوام چندانی نیاورد و برخلاف انتظار پیشرفتی نکرد، هنر تئاتر بود. چندین سال انواع تئاتر، اپرا، اپرت و کنسرت روی صحنه در تهران ظاهر می شد. اکثر تئاترهایی که در تهران این زمان به نمایش درمی آمدند، غالباً توسط نویسندگان ایرانی با تم های آشنای اخلاقی یا تاریخی نوشته می شدند. نفیسی به تئاتر علاقه زیادی داشت که در خاطراتش بدان اشاره کرده است. او از داستان شورانگیز بازرگان و ندیکی اثر ویلیام شکسپیر را به ناصرالملک آن را ترجمه کرده بود یادی می کند. او در روزنامه ایران جوان هم در ۲۱ بهمن ۱۳۰۶ درباره تئاتر می نویسد. به عقیده او «تفریح دماغی برای بشر لازم بود و هیئت حتمی وظیفه دارد که مؤسساتی جهت تفریح افراد تأسیس نماید و تئاتر از این جهت بسیار است، چون انسان وقتی عموماً زندگانی و رفتار خود و هموطنان خود را اکثراً نمود قهراً درصدد رفع معایب ها برآمد» (۸) سپس به اقدامات لازم برای اصلاح این هنر می پردازد. گفتنی است که نفیسی تئاتری نوشت، تحت عنوان دختر نهمین که در ۴ اردیبهشت ۱۳۱۰ توسط کانون ایران جوان در گراند هتل به نمایش درآمد بدون شک هدف از اجرای آن جمع آوری پول برای کانون بود. روزنامه اطلاعات می نویسد:

«تأثر پریش عاری از این عیب بزرگ بود. ذکور خجسته و طبیعی بود و در ظرف چند دقیقه تدارک می شد، می توانستند زود پرده را عوض کنند. موضوع هر پرده هم طولانی و جالب توجه بود که در نتیجه تماشاکننده تمام مدت شب استفاده روحی برد.

شاید یک دفعه دیگر هم تذکر دادیم که مردم تئاتر می روند برای اینکه یک شب را تفریح نمایند، تجدید دماغ کنند، نه اینکه با حالتی افسرده تر... به خانه خود برگردند.

تئاتر پریش سه پرده کمیک بود و اتفاقاً بهترین آرتیست ها آن را بازی می کردند. خانم لورتا، مسیو هایک کاراکاش که حقیقتاً در صنعت تئاتر تخصص

قابلی دارند، خورشیدتاترا در عهده داشت و همین طور شاعر و بازی‌کننده رل مطلع‌الوزاره (آقای معز دیوان) و دیگران همه از آرتیست‌های خوب بودند که با نهایت مهارت رل خود را بازی می‌کردند. کسی که سالار فکور شده بود، اگرچه اولین دفعه‌ای است که در سن قدم می‌گذاشت، ولی خوب از عهده برآمد و چون نام خود را در پروگرام مخفی کرده بود، ما هم در اینجا اصرار نداریم مشارالیه را معرفی کنیم. به طور کلی شب‌نشینی کلوب ایران جوان شب‌نشینی خوبی بود. نویندیش^۱ آقای دکتر حسن نفیسی (مشرف‌الدوله) مهارت مخصوصی در تنظیم این سه پرده تئاتر به خرج داده بود که هرچه تئاتر بیشتر طول می‌کشید، توجه مردم به تئاتر زیاده‌تر جلب می‌شد. گاهی سکوت و خموشی سالن^۲ را فرامی‌گرفت و یک مرتبه در اثر پیشآمد تازه‌ای [روی سن، سکوت درهم می‌شکست. گاهی یک مرتبه تعجب همه را فرامی‌گرفت و یک مرتبه مدتی خنده فضا را پر می‌کرد].^۳

شخصی به نام بهمن سراج هم در ربع داستان دختر قرن بیستم را همراه با تمجید بسیار برای روزنامه اطلاعات سرسبز کرد.^۴

○

قلم نفیسی خشک و طنزش اغلب تلخ بود. همانطور که بی‌درم محاوره‌اش سخت و رک سخن می‌گفت، در خاطراتش نیز بی‌پرده بی‌قیه و بند می‌نوشت و به جز اشارات مختصری از زندگانی خصوصی خود بحث دیگری بیان نکرده است. نفیسی در جوانی ایدآلیست بود و به طوری که نوشته به دیدن میرزا کوچک‌خان در رشت رفت، ولی او را به عنوان جاسوس دستگیر کردند. چندی هم به قول خودش به دور علم مصدق سینه زد. او مدتی هم از

1. Pièce.

۲. در اصل: سالون که در طول متن اصلاح شد.

سیدضیاءالدین طباطبایی جانبداری کرد، ولی خیلی زود ایدآلیسم وی تبدیل به بدبینی می‌گردد و هرچه بیشتر به نافرجامی بدل شد. نسبت به دولتمردان ایران که از نزدیک می‌شناخت بدبین‌تر شد، ولی هیچ‌گاه ناامید نشد و تا توانست به انحاء مختلف سعی کرد خدمت کند. بخصوص تجربیات تلخ او از کار، رقابت و دشمنی همکارانش، او را بیشتر دلزده کرد ولی امید را از دست نداد. آنچه او شرح می‌دهد، بیش از هر چیز قدرت مخرب سیستم حکومت که بر اساس روابط خصوصی افراد و نه بر اصول و قانون ثابت استوار بود، سیستمی که مانع هر گونه پیشرفت و ابتکار درکار می‌شد.

ولی نظر بدبینانه نفیسی نسبت به طبقه حاکمه شامل حال عامه مردم نمی‌شد. من می‌نویسم: «در اوایل کار، من مردم ایران را بدبین‌تر از آنچه لازم بود می‌پنداشتم. ولی بعد از آن که جریان را دیدم، تشخیص دادم آنها با افکار ناپخته خود بهتر مطالب را تشخیص دادند تا سیاسیون کارآزموده». او گاه به نتایج جالب توجهی می‌رسد که نشان می‌دهد درباره مسائل تأمل کرده و مسائل را سنجیده است. او یک بار در دهان بیک نوشت کمانی در سرکار بودند که «میل و اراده مقاومت در مقابل زور از آنها در نتیجه ۲۵ سال اطاعت سلب شده بود. مردم با هر پیشامدی می‌ساختند». در حقیقت نگری نوشت: «اگر روزنه امیدی برای ایران باقی ماند، ارتباطی با خود ایرانی، بداندیش و نفاق و کشمکش بین دولت‌های خارجی که سرنوشت ایران را به دست گرفت بودند، این امید را برای ما به وجود آورد».

با این حال اگر نفیسی نسبت به طبقه حاکمه بدبین بود، او به جوانان امید بسیاری داشت. انتخاب عنوان «ایران جوان» برای انجمنی که در ۱۳۰۰ توسط نفیسی، دکتر سیاسی و عده‌ای دیگر از رجال تشکیل شد، بر پایه چنین امیدی استوار بود. در آغاز هشتمین سالگرد تشکیل انجمن، نفیسی نوشت: «زمانه دیگر جز افکار جوان بافکری همراه نیست. جوان‌هایی که امروز در مدارس تحصیل می‌کنند، تمام به صفوف ایران جوان ملحق می‌شوند».^(۱۱) او در ۱۳۲۱ در کتاب زندگی گران نوشت: «جوان باید در سال‌های متمادی آینده در این کشور زیست

کند و از سربلندی آن سربلند و از سرشکستگی آن زجر خواهد دید. بیشتر نفع دارد که در امور ایران به طور خوبی اداره شود و در سایه این حسن اداره، آتیه درخشانی [برای] او محفوظ ماند... افراد این طبقه باید امروز از هر صنف و هر دسته [ای] با هم اتحاد کنند، اختلاف داخلی را کنار گذارند، فقط به احساسات میهن پرستی خود گوش دهند و برای سایر طبقات کشور سرمشق عزم و اراده و سعی و صحت عمل باشند» (۱۲)

نفیسی - بنده انسان دوستانه را هرگز فراموش نکرد. چنانکه یکی از اولین اقدامات او در سمت وزارت دارایی افزایش حقوق کارمندان دولت بود. البته دلایل اقتصادی محکم هم برای این کار داشت. تورم حقوق کارمندان را تحلیل داده بود و نفیسی معتقد بود که همین مسئله موجب فساد اداری می شد. علاوه بر این او تصور می کرد در آینده هزینه زندگی بالاتر خواهد رفت. زحماتی هم برای منع کشت و فروش تریاک دیده که یکی از معضله های جامعه آن زمان به شمار می آمد. (۱۳)

نفیسی ذهنی کنجکاو و پویا داشت، چنانکه پس از جنگ سفری به فرانسه کرد تا شرایط جدید اروپا را بررسی کند. وقتی قرار شد ایران عدم تخلیه قوای شوروی را از آذربایجان به شورای سازمان ملل ببرد و سکایت ادامه اشغال را در آنجا مطرح کند، او که در پاریس بود، به لندن رفت و در آغاز مقر سازمان ملل در لندن بود - تا جریان را از نزدیک دنبال کند.

سهل انگاری در قاموس نفیسی نبود و همانطوری که اشاره شد وقتی مسئله واگذاری املاک رضاشاه به پسرش محمدرضا پیش آمد، قرار بر این بود که شاه جدید آنها را به دولت واگذار کند، نفیسی در سمت وزیر دارایی به شمال که در شرایط سخت تحت اشغال قوای شوروی بود، سفر کرد تا اوضاع را از نزدیک بررسی کند.

هنگام اقامت در آمریکا از شرق تا غرب این کشور را با اتومبیل پیمود، تا آن را بهتر بشناسد، چون به تشخیص او از آن پس آمریکا نقش مؤثری در خاورمیانه و بخصوص در ایران خواهد داشت.